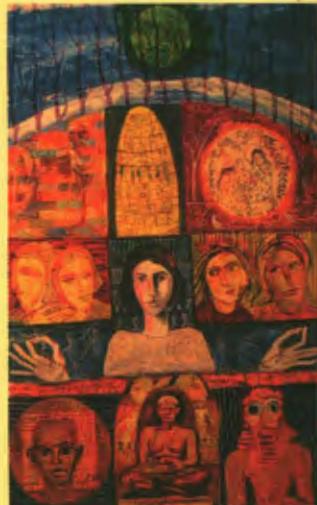




# اسطوره‌ها هشدار می‌دهند

به جست‌وجوی اسطوره‌ها  
در میدان تحقیق



مانی کلانی

انسان‌شناسی و معرفتی



انتشارات فرهامه  
 مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

سرشناسه: کلانی، مانی، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: اسطوره‌ها هشدار می‌دهند: به جستجوی اسطوره‌ها در میدان تحقیق / مانی کلانی.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۹ .

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص: مصور، جدول؛ ۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۴-۵۳-۶

و ضمیت فهرستنویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۱۹۱ .

موضوع: اسطوره‌شناسی

موضوع: Mythology

موضوع: اسطوره

موضوع: Myth

موضوع: اساطیر ایرانی -- تاریخ و نقد

Mythology, Iranian-- History and criticism: موضوع

رده‌بندی کنگره: BL۳۱۲

رده‌بندی دیوبی: ۳/۲۰۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۲۳۵۳۱۳

اسطوره‌ها هشدار می‌دهند  
به جست‌وجوی اسطوره‌ها در میدان تحقیق



www.farhameh.ir  
farhameh@gmail.com  
۸۸۸۴۳۶۲۹\_۰۹۱۰۴۵۱۷۶۱

### اسطوره‌ها هشدار می‌دهند

### به جست‌وجوی اسطوره‌ها در میدان تحقیق

© حق چاپ: اول، ۱۳۹۹، فرهامه

نویسنده: مانی کلانی

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

نقاشی روی جلد: هانیبال الخاص؛ از مجموعه داستان‌های روی بوم

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و  
بی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و  
بررسی و اقتباس در گیوه‌های مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر منسوب و از طریق مراجع  
قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

# اسطوره‌ها هشدار می‌دهند

## به جستجوی اسطوره‌ها در میدان تحقیق

مانی کلانی

با مقدمه نعمت‌الله فاضلی



تقدیم به همسر و فرزندانم

## فهرست

۹	پیش‌گفتار؛ روایت رنج و امید در انسان‌شناسی ایران
۱۱	روایت انسان‌شناختی امید
۱۶	نتیجه
۱۷	منابع
۱۹	فصل اول؛ مقدمه
۲۰	۱-۱ آیا اسطوره‌ها مرده‌اند؟
۲۳	۱-۲ چرا وجود جهان اسطوره‌ای ضرورت دارد؟
۳۱	فصل دوم؛ مبانی هستی‌شناسانه؛ شرق و غرب؛ با هم یا ضد هم
۳۱	۲-۱ ادبیات نظری؛ فقدان و فراموشی؛ پژوهش‌هایی بازنمایی کننده بحران‌های انسان معاصر
۳۲	۲-۲ پرسش اصلی و بنیادین این سرزمین و ما انسان‌های ایرانی؛ چگونه می‌توان بر گستست میان شرق و غرب انسان ایرانی غلبه نمود؟
۳۷	۲-۳ صورت‌بندی نظری آغازین؛ رهیافت هستی‌شناسانه
۴۰	۱-۳-۲ مقدمه؛ تعادل میان قطب‌های تقابلی
۴۷	۲-۳-۲ بسط نظری؛ ریزوم در شهر شیاردار
۵۹	فصل سوم؛ شدن و تغییر
۶۰	۳ پارادایم نهایی همچون تبیینی شناخت‌شناسانه
۶۰	۳-۱ واقعیت به مثابة امر نایهنهگام و شدن

۳-۲- چالش تعیین کننده؛ در جست‌وجوی شواهدی تجربی از امر ناپنهنگام.....	۶۵
فصل چهارم؛ روش‌شناسی ..... ۴- روش‌شناسی؛ رخداد روایتشده و رخدادهای شکل‌گرفته حین عمل روایت کردن.....	۶۹ ۷۰
فصل پنجم؛ ۹ روایت از ۹ زندگی ..... ۱- کجا قرار بگیریم و با آن انس و الفت پیدا کنیم؟ ..... ۲- همسفران و همراهان من در میدان تحقیق، چه کسانی هستند؟ ..... ۳- ۹ روایت از ۹ زندگی، از خلال ۹ گفت و گو ..... ۴- در آستانه گذر از جهانی سرد و بسته؛ هم‌آوابی و شادی ..... ۵- دار قالی خالی؛ تهران و نگرانی از آینده ..... ۶- نقاشی ناتمام؛ در آغوش شرکت همچون جنین مادر ..... ۷- من خوبیم، تو خوبی؛ در محل کار چطور؛ در جامعه بزرگ‌تر چطور؟ ..... ۸- به سوی منادی؛ تجربه قدسی هم‌مسیر شدن ..... ۹- از طریقت عرفانی تا مژون لباس؛ واقعیت دشوار کار کردن ..... ۱۰- راهبری و پیگیری؛ وقتی ازدها برای ریل گذاری وارد می‌شود ..... ۱۱- فراتر از ترس و اقدار؛ کتابی که هل می‌دهد! ..... ۱۲- رمزگشایی از سلبریتی‌های امر روزمره؛ هوشمنگ من در مقابل تو هیچم!.....	۸۱ ۸۱ ۸۱ ۹۱ ۹۱ ۹۵ ۱۰۲ ۱۰۹ ۱۱۴ ۱۲۳ ۱۳۵ ۱۴۹ ۱۵۷
فصل ششم؛ رو به سوی انسان‌شناسی نوین، در عصر جدید ..... ۱- جستار نهایی ..... ۲- زمینه‌سازی‌ها برای عقد اخوت و دوستی ..... ۳- در مسیر نوعی اقدام‌پژوهی اسطوره‌شناسانه؛ موفقیت در تمرین و عمل؛ شاخصی برای ارزیابی تأثیر امر ناپنهنگام و قدرتمندی آن ..... ۴- تحلیل اقدام‌پژوهانه؛ وقتی از زندگی بی‌حاصل و ظالمانه رها می‌شویم ..... ۵- پس اسطوره‌ها هشدار می‌دهند ..... ۶- مؤخره؛ روبه‌سوی انسان‌شناسی کیهان‌شناسانه ..... کتابنامه ..... جدول ضمیمه	۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۸۲ ۱۸۷

## پیش‌گفتار

### رواایت رنج و امید در انسان‌شناسی ایران

نعمت‌الله فاضلی

استاد انسان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این کتاب در موقعیت بسیار دشواری در ایران چاپ می‌شود. ما در این لحظه (آذر ۱۳۹۹) در میانه بحران ویروس کووید ۱۹ هستیم و در عین حال بحران تحریمهای بین‌المللی فشار مادی و اقتصادی همه‌جانبه‌ای بر مردم ایران وارد کرده است. باید چالش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که به طور ساختاری، دهه‌های طولانی جامعه ایران را فرسوده ساخته است به موقعیت دشوار کنونی اضافه کرد. رنج اکنون همچون ویروس کرونا در درون ذهن و ضمیر و حتی بدن‌های ما سرایت و لانه کرده است یا اضطراب سرایت آن، قوای دفاعی ما را می‌فرساید. در این موقعیت اگر نگوییم همه، لاقل اکثریت مردم کلافه و نگران هستند و می‌پرسند آیا روزنه امیدی برای زیست‌پذیر کردن زندگی وجود دارد؟ منابع ما برای بهتر زیستن یا بهتر ساختن زندگی چیست و کجاست؟ آیا بجز پول می‌توان منع دیگری برای بهزیستی و مبارزه با ویروس رنج ساخت یا به دست آورد؟ فرهنگ در این موقعیت دشوار چگونه می‌تواند کمکی برای انسان رنجور ایرانی باشد؟ اینها پرسش‌هایی است که می‌توان در این کتاب برای آنها پاسخ یافت. این پاسخ اگرچه نه لزوماً بهترین پاسخ ممکن است و نه حتی دقیق‌ترین پاسخ‌ها اما تلاشی است معرفتی، متعهدانه و دانشگاهی برای رهایی از رنج و رنج‌هایی که انسان ایرانی در فرهنگ و جامعه معاصر با آن رو به روست. وقتی کلانی خواستند بر این کتاب پیش‌گفتاری بنویسم از آن استقبال کردم. نسخه اولیه این کتاب رسالت دکتری کلانی بود و من داور ایشان

بودم. از این‌رو از کم و کيف محتوای اين کتاب آگاه بودم. در جلسه داوری رساله هم نکته‌ای که درباره آن توجهم را جلب کرد همین نور اميدی است که در كنه ايده کلانی برای انسان ايراني نهفته بود. در جلسه دفاعي رساله نقدم اين بود که راهبردهای کلانی برای راهی انسان ايراني از موقعیت‌های رنج و واقعیت‌های ترازيک و دردناک، توسيط داده‌های تجربی و ميدانی اش به حد کافی حمایت نشده‌اند. همچنین در آن جلسه نقدهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه‌ای توسيط من و داوران ديگر بيان شد. اما وقتی کتاب حاضر را برایم فرستاد و آن را خواندم، چشم‌انداز دیگري از کتاب برایم شکل گرفت. در همان جلسه داوری اشاره کردم که اين پژوهش در زمرة گفتمان «انسان‌شناسي وجودی» قرار می‌گيرد. «اين گفتمان به تازگی در ايران در حال نضج و نمو است و اميدوارم آينده‌اي درخشنان بیابد». تاریخ انسان‌شناسی ایران مانند همه دانش‌ها و رشته‌های ديگر، تاریخی از تجربه زیسته ناتمام است که در امتداد تحولات و تجربه‌های زیسته ناتمام انسان و جامعه ايراني بسط می‌يابد و شاخه‌ها و خوشه‌های تازه‌ای پیدا می‌کند. روایتی از اين تاریخ ناتمام را در کتاب *بعاد سیاسی فرهنگ: انسان‌شناسی، سیاست و جامعه در قرن بیستم* (فاضلی [۱۳۹۶، ۲۰۰]) شرح داده‌ام. روایت ناتمام من در اين کتاب شامل تحولات انسان‌شناسی در ايران تا سال‌های ۱۳۸۰ است. از آن تاریخ تا امروز که آخرین سال از سده چهاردهم شمسی را طی می‌کنيم، انسان‌شناسی ايران به اندازه تمام تاریخ حیاتش دگرگون شده است. جامعه ايران با تحولات ساختاري در اين سال‌ها روبه‌رو شده و مسائل تازه‌ای در برابر انسان ايراني قرار گرفته است. نسل تازه‌ای از محققان و دانشگاهيان باليه و برآمده‌اند. اين کتاب و مؤلف آن به همین نسل تازه تعلق دارد. اين نسل چندان مانند نسل‌های پيشتر، خود را درگير ايدئولوژي‌های زمانه نمي‌بینند و نمي‌دانند، بلکه تلاش‌های معرفتی آنها عموماً به تعبير مایكل جکسون و در کتاب *انسان‌شناسی وجودی او* (۲۰۰۵)، «تقلا برای بودن»<sup>۱</sup> است. برای بدخشان انسان‌شناسی در ايران گفتمان انسان‌شناسی وجودی جذابت دارد زيرا به تعبير جکسون «انسان‌شناسی وجودی در تمرکزش بر موقعیت‌ها، رخدادهای حیاتی

۱. اصفر ايزدي جيران با ترجمة ببخی کتاب‌های این حوزه مانند گزیده‌ای از آثار مایکل جکسون در *انسان‌شناسی وجودی؛ بررسی وضع انسان، نه فرهنگ* (۱۳۹۶)، نیز با انجام پژوهش‌های مردم‌نگارانه‌ای همچون انتونوگرافی با حرکت: تجارب حسی در ماضین‌های متاسکن تهران (۱۳۹۷)، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. همچنین موارد ديگر شامل هستند بر بخی پژوهش‌های خودمردم‌نگارانه ژیلا خیدري (من یك معلمم؛ کاوشي خودمردم‌نگارانه (انتونوگرافيك) در باب چگونگي شکل‌گيری هویت حرفه‌اي، ۱۳۹۶) و رساله دکтри مردم‌نگارانه پروین قاسمي (۱۳۹۸).

و تجربه زیسته، در مقابل شیء کردن فرهنگ مقاومت کرده و راهی به بیرون رفتن از بن‌بست ایدئالیسم، بدون بازگشتن به جبرگرایی مادی را پیش می‌نهد.<sup>۱</sup> این گروه از نسل جدید انسان‌شناسی در ایران میل و علاقه محکم و جدی به خلق روایتی تازه از دانش انسان‌شناسی، مردم‌نگاری و تحقیق دارد. آنها فرهنگ را به شیوه‌ای دیگر فهم‌پذیر می‌کنند و نمی‌خواهند خود و دیگران را از صحنه بازنمایی‌های معروفی و پژوهشی‌شان حذف نمایند. از دیدگاه ذیل این انسان‌شناسی وجودی، «انجام دادن انتوگرافی، درگیرشدن با زندگی‌های دیگران در جهان‌های خودشان، در زمان خودشان و براساس شرایط خودشان است».<sup>۲</sup> اکنون با توجه به این توضیحات و مقدمه، این کتاب را معرفی می‌کنم.

### روایت انسان‌شناختی امید

کتاب اسطوره‌ها هشدار می‌دهند یکی از نخستین روایت‌های انسان‌شناسی وجودی است که درد و رنج گروهی از شهر و ندلن تهرانی را به شیوه‌ای انسان‌شناسانه روایت و تحلیل می‌کند؛ شهر و ندانی که برخی از آنها برای غلبه بر ترس‌ها، اضطراب‌ها و تشویش‌های روحی / اخلاقی‌شان در یک کلاس معنوی مکتب چی‌کنگ شرکت می‌کردند و گروهی دیگر از آنها، ساکن شهرک اکباتان، برای بیرون رفت از یکنواختی و پوچی زندگی روزمره، کنش‌های داوطلبانه را در بلوک مسکونی‌شان پیش گرفته بودند. علی میرسپاسی در کتاب روش‌نگاران ایران؛ روایت‌های یأس و امید می‌نویسد: « نقطه شروع فکری ضروری در پروژه‌های تحول اجتماعی دموکراتیک، زندگی روزمره موجود است، نه قلمرو متافیزیکی یا معرفت‌شناختی ». میرسپاسی معتقد است: « پروژه‌های بلندپروازانه روش‌نگاری برای تحول اجتماعی » که « زندگی روزمره را نادیده می‌گیرند، یا آشکارا با بررسی آن مخالفت می‌ورزند »، برای جامعه ایران خطر دارند. از دیدگاه میرسپاسی این گونه « پروژه‌های بلندپروازانه روش‌نگاری » از طریق نوعی « نقد معرفت‌شناختی ریشه‌ای » و « به نام یک آغاز تازه »، خواهان « زیورو و کردن الگوهای سنتی اندیشه و فرهنگ ایرانی »<sup>۳</sup> هستند. این گونه پروژه‌ها به تعبیر میرسپاسی « تجربه و درک ویژه ایرانی از

۱. جکسون، [۱۳۹۶] ۱۵: ۲۰۱۷.

۲. همان؛ ۱۶.

۳. میرسپاسی، [۱۳۸۷] ۲۱: ۲۰۰۰.

۴. همان؛ ۲۲.

مدرنیته را نادیده می‌گیرد و در پی یافتن گزینه‌ای خیالی و نادرست، در حد فاصل دوگانه درونی / بیرونی برمی‌آید.<sup>۱</sup> که پیامد این گزینه‌های خیالی را بهوضوح تجربه کرده‌ایم؛ دوگانه‌های شرقی / غربی یا تجدددگرایی سنت‌ستیز یا سنت‌گرایی تجدددستیز.

پس بر همین مبنای توجه به زندگی روزمره، در این کتاب که گزارش پژوهشی میدانی و مردم‌نگارانه است، صدای تازه‌ای می‌شنویم، صدای امید؛ صدای امیدی که از درون تقلاهای ما و برای زیست‌بذرگردن زندگی بیرون می‌آید؛ زندگی در فضای بحرانی امروز جامعه ایران. این پژوهش تلاشی است برای خلق امید، اما نه بر مبنای امیدهای کاذب، یا مشتاتاندیشی‌های روان‌شناختی و روان‌شناسی زرد، بلکه بر مبنای درک و دریافتی متفاوت از نقش و جایگاه اسطوره در زندگی و زندگی روزمره ما ایرانی‌ها. این کتاب تلاشی است برای رسیدن به امیدی تازه از راه فهم نقادانه جهان سرمایه‌داری و سرمایه‌زده که در سیطره پول و مادی گرایی، تمام کیفیت‌ها و ارزش‌های انسانی را به حاشیه رانده است؛ و دست‌یافتن به امیدی که از راه تأمل و روایت‌کردن خود به دست می‌آید. در این پیش‌گفتار کوتاه توضیح می‌دهم که چگونه در این کتاب می‌توانیم روزنامه امید را پیدا کنیم.

کم‌وپیش همه‌ما درگیر و درمند هستیم. درگیر تنهایی، پوچی، از خودبیگانگی، ناراضیتی و اشکال گوناگونی از آشفتگی‌های روحی و رفتاری. همه‌ما درگیر سرگردانی‌ها و افراط و تفریط‌ها هستیم؛ افراط و تفریط در مصرف، در لذت‌جویی، در میان دنیا و عقبا، و سرگردان میان خیر و شر، و تمام دوگانه‌ها و دوگانه‌پنداری‌هایی که در این کتاب با آنها آشنا می‌شویم.

در چنین موقعیت دشوار تاریخی و اجتماعی، طبیعی است که همه یا بسیاری از ما این انتظار را داریم که دانشگاه و علم برای این وضعیت مسئله‌مند چاره‌ای بیابد و عقل راهگشایی بیافریند. همه‌ما شاید بارها از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مورخان، فیلسوفان و محققان گوناگون پرسیده‌ایم که در این موقعیت دشوار ما برای ساختن زندگی بهتر و دست‌یافتن به موقعیتی انسانی‌تر، چه می‌توانیم بکنیم و چه راهی یا راهبردی می‌توانیم انتخاب کنیم؟ در زمانهای که انسان ایرانی از ایدئولوژی، پاسخ‌های ایدئوژیک و لفاظی ایدئولوگ‌ها سرخورده شده است، طبیعی است که تلاش کند تا فرسته‌ها و راههای واقع‌بینانه‌ای را جست‌وجو کند که از درون زندگی و تاریخ واقعی او به دست آمده است. کتابی که در دست دارید یکی از تلاش‌هایی است که برای دست‌یافتن به چنین راه و راهبردی نوشته شده است. شاید کمی دور از ذهن به نظر برسد که محقق انسان‌شناس بخواهد چنین راه و راهبردی را برای ما کشف و معرفی کند،

زیرا ما اغلب عادت کرده‌ایم که روان‌کاوان، روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی، متخصصان تعلیم و تربیت و واعظان اخلاق را مرجع خود برای طرح پرسش‌های زندگی قرار دهیم. اما کلانی در این کتاب که حاصل پژوهش مردم‌نگارانه و انسان‌شناسانه است، ما را با افق فکری و معرفتی تازه‌ای آشنا می‌سازد؛ افقی که از درون تقلاهای وجودی هر یک از ما و حین گفت و گوهای درونی‌مان با اسطوره‌ها شکل می‌گیرد و هر یک از ما متناسب با مسیر زندگی و تاریخ فردی‌مان، می‌توانیم از خلال این گفتوگو، تجربه‌ای تازه از شدن را به دست آوریم. کلانی این راه شدن انسانی ما را در پی‌جویی معنایی تازه از اسطوره‌ها جست‌وجو می‌کند؛ اسطوره‌ها آن‌گونه که در زندگی روزمره، تجربه‌های زیسته و واقعیت‌های پردردسر و دردسرساز زندگی هر یک از ما ظاهر می‌شوند. در اینجا کلانی نه اسطوره‌شناس است و نه فولکلورشناس، نه زبان‌شناس است و نه مورخ، نه نشانه‌شناس است و نه فیلسوف؛ بلکه او در مقام مردم‌نگار و در چارچوب درکی خاص از انسان‌شناسی به سراغ اسطوره‌ها می‌رود تا از آنها برای کمک به زندگی عادی انسان‌های عادی و در موقعیت‌های معمولی و پیش‌پا‌افتاده زندگی‌شان کمک بگیرد.

استطوره‌ها هشدار می‌دهند تعریفی تازه از نقش اسطوره‌ها و خردمندانه‌ها در زندگی امروز ما را روایت می‌کند. روایتی از یکنکه - استطوره‌هایی که او آنها را با رمزگان آب، باد، آتش و خاک توضیح می‌دهد - هر یک از این اسطوره‌ها مجموعه‌ای از معناها، ویژگی‌ها، شایستگی‌ها و توانش‌هایی است که درون فرهنگ شرقی و ایرانی وجود دارند و می‌توانند یاری‌دهنده ما در زندگی شوند.

استطوره‌ها هشدار می‌دهند روایتی بديع از زندگی پيچيدة انسان طبقه متوسط شهری در ايران امروز است. در اين کتاب لايدها و سطوح گوناگون آگاهی در پرتو نگاهی هستي‌شناسانه، از آگاهی استطوره‌ای کيهانی تا آگاهی شهری معاصر، در برابر ما قرار می‌گيرند؛ آگاهی‌هایي که هر یک از ما در گير مجموعه پرشماری از تجربه‌ها و تشن‌ها قرار می‌دهند؛ بدین صورت که از يك سو زندگی‌ها مصرفی، معنازدوده، ميان‌مايه، متلاشی و مبتلا به صد جور آشتگی و درد و رنج است؛ و از سوی ديگر دربرگيرنده نداها و هشدارهایي که ما را به آرامش، معنوitet، صلح، مهرگانی و زیست انسانی دعوت می‌کند. کلانی اين دوگانه را به صورت‌های گوناگون روستا/ شهر، شرقی/غربی، زنانه/مردانه، قدرت/حقیقت و امثال اينها صورت‌بندی کرده است.

این پژوهش تا حدودی متفاوت از انسان‌شناسی متعارف در ایران است. انسان‌شناسی متعارف ايراني با تأكيد بر فرهنگ شناخته می‌شود و در آن زندگی و تجربه فردی انسان‌ها كم و بيش نادیده گرفته می‌شود، بهويژه رنج انسان‌ها که از افق دید اين جنس مطالعات انسان‌شناختي

غایب است. کلانی در این پژوهش فرهنگ را در تجربه زیسته ۱۰ شهروند تهرانی و در هنگام مواجهه با دشواری‌ها، ناکامی‌ها و سرگردانی‌های زندگی جست‌وجو می‌کند، و نه در مقولاتی از پیش شکل‌گرفته و تعیین‌یافته. از این دیدگاه، پژوهش حاضر پیوندی است میان انسان و فرهنگ. کلانی نشان می‌دهد که انسان‌شناسی نمی‌تواند با شرح و بسطهای نظری در باب ایده فرهنگ، چیزی درباره آدم‌ها بگوید، بلکه باید فرهنگ را از درون تأمل‌ها، تجربه‌ها و گفت‌وگوهای افراد و به هنگام روایت کردن دردها و سختی‌های زندگی‌شان ساخت.

پس کلانی با ۱۰ نفر از شهروندان طبقه متوسط شهرک اکباتان و شاگردان یک کلاس چی‌کنگ گفت‌وگو می‌کند و «روایت‌هایی خواندنی و شنیدنی از زندگی آنها و همه فرازونشیب‌هایشان فراهم می‌سازد».<sup>۱</sup> او کمک می‌کند تا این آدم‌ها به سخن درآیند و از رنج‌ها و موقعیت‌های دشوار و ویرانگر زندگی‌شان سخن بگویند. این روایتها شنیدنی و پنداموزنده اما کلانی تنها روایت نمی‌کند بلکه تلاش می‌کند تا در پرتو دیدگاه نظری و مستله‌ای که از زندگی و هویت چهل‌تکه و گرفتار تناقض‌ها و تضادهای انسان امروزی دارد، تفسیری از شدن‌های آنها به دست آورد. یعنی اینکه چگونه هر یک از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از راه گفت‌وگو کردن و تأمل در تجربه‌های زیسته‌شان، نیز کشف دوباره قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی‌شان، راه تازه‌ای برای غلبه بر دشواری‌ها، شکست‌ها، تضادها و سرگردانی‌هایشان به دست آورده‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که چطور آدم‌ها تحت تأثیر امر نابهنه‌گام و رخداد، با تداعی کردن مجدد تمامی آن تجربه‌های زیسته و پیشین خودشان، تغییر می‌کنند. انسان‌شناسان وجودی نامش را امید می‌گذارند و لذا تحت تأثیر این امر بالقوه یا امیدی که حین گفت‌وگو زنده می‌شود، حال انسان دوباره احیاء می‌شود؛ احیایی که امکان پشت‌سرگذاشتن رنج‌هایشان را برای آنها فراهم می‌سازد تا بتوانند زندگی‌شان را از نو ادامه دهند. اینجا داستان، داستان فهم پذیرکردن شیوه‌های زیست‌پذیرکردن زندگی و توسط آدم‌های منفرد جامعه است وقتی نقدشان را متوجه علم نرمال انسان‌شناسی می‌کنند؛ آن زمان که در ضمن این علم نرمال بدین سؤال پاسخ داده نمی‌شود؛ انسان کجاست؟ که عالمان این رشته فقط از ساختار و فرهنگ سخن می‌گویند؛ ساختار و فرهنگ به مثابة حجم‌های کلان و جرم‌های سنگینی که بر روان آدم‌ها سوار شده‌اند و اجازه حرکت کردن را از او گرفته‌اند. پس انسان‌شناسی وجودی می‌خواهد بگوید که اتفاقاً موقعیت‌های رنج، غم، محدودیت و شکست (یعنی تمامی این گسسته‌های اسکیزوفرنیک)

۱. کلانی؛ البته یکی از این روایت‌های پرفرازونشیب کتاب حذف شد.

می‌توانند زندگی را زیست‌پذیر کنند. لذا فهم شیوه‌های زیست‌پذیرکردن زندگی و توسط آدمها آن چیزی است که در این پژوهش روایت می‌شود.

اسطوره‌ها هشدار می‌دهند روایتی است از اینکه چگونه خرده‌اسطوره‌های آب، باد، خاک و آتش در موقعیت‌های انضمامی و معین، تبدیل به نیروهایی می‌شوند که بر زندگی این انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. البته این تأثیرگذاری نه به صورت خودبه‌خودی بلکه در نتیجه درگیری‌شدن افراد مشارکت‌کننده در فرایند گفت‌و‌گو رخ می‌دهد؛ فرایند گفت‌و‌گو با کلانی در نقش مردم‌نگار و محقق، کلانی در اینجا نشان می‌دهد آدم‌ها هستند که زندگی شان را با تأثیرگرفتن از امر بالقوه نابهنجام، خلاقانه می‌سازند و به کمک خرده‌اسطوره‌های اشان امیدی برای زندگی و ایجاد تغییر، همچنین انگیزه‌ای برای تجربه صیرورت و شدن پیدا می‌کنند. اینجاست که اسطوره‌ها برای انسان‌ها، نیز کلانی و در حین کار میدانی‌اش در این پژوهش، راهبردها و سرمایه‌هایی نیروپخش و آگاهی‌دهنده می‌شوند برای زیست‌پذیرکردن زندگی و تحقق بخشیدن خود و برخی از آمال و آرزوهای ما. بنابراین، از این‌روست که آدم‌ها در موقعیت‌های رنج و یأس و نامیدی، یا در اوج بدختی و فلاکتشان می‌توانند دوباره برخیزند.

این پژوهش در معنای دقیق کلمه پژوهشی میان / فرارشته‌ای است. فلسفه، روان‌کاوی، جامعه‌شناسی، نقد ادبی و هنری به علاوه انسان‌شناسی با هم‌دیگر ترکیب شده‌اند تا روایتی از شیوه مواجهه طبقه متوسط شهری با تنش‌ها و چالش‌های امروزی را نشان دهد. پژوهش‌های فرارشته‌ای آن‌دسته از مطالعات هستند که تلاش می‌کنند تا از طریق دانش، امکانی تازه برای مواجهه سازنده و خلاقانه ما با چالش‌ها و مشکل‌های انسانی فراهم کنند. در این پژوهش می‌بینیم که محقق تلاش می‌کند تا افراد حاضر در پژوهش، از خلال کار میدانی تغییر کنند. در انتهای راه این دستاورد تحقق می‌یابد و از این نظر پژوهش حاضر در زمرة رویکردهای در حال توسعه انسان‌شناسی وجودی قرار می‌گیرد. البته این ادعا که محققی بخواهد مردم ایران و جهان را نجات دهد، سخن انسان‌شناسان وجودی نیست، بلکه آنها می‌خواهند همین چند نفر آدم مشارکت‌کننده در این گفت‌و‌گوها بتوانند با تداعی کردن رخداد نابهنجام، به قابلیت‌های نهفته‌شده خودشان، راههای نیمه‌تمام یا همان ظرفیت‌های نصفه‌نیمة خودشان پی ببرند و آنها را احیاء کنند.

پس این چنین انسان‌شناسی‌ای واقعاً می‌خواهد در خدمت آدم‌های زنده باشد که چگونه امیدهای اش را، یا همان انتوپیاهای نصفه‌کاره و ناقشان را - همچون علاوه‌های به موسیقی که توسط پدر خانواده سرکوب شده - از نو بی‌گیرند. انسان‌شناسی وجودی نه در خدمت حکومت است، نه در خدمت احیای فرهنگی منقرض شده یا قوت بخشیدن به ایدئولوژی خاص.

## نتیجه

امیدوارم شما خوانندگان هم به این بیندیشید که دانش‌ها از جمله دانش انسان‌شناسی که به رغم عمر ۸۰ ساله‌اش در ایران همچنان جوان و نوپاست، می‌تواند افق تازه‌ای از بودن و شدن را در برابر ما بگشاید. این پژوهش روایتی از شگفتی زندگی آدمی است. گمان می‌کنم باید اندکی در این باره تأمل کنیم.

چه چیزی زندگی آدمی را شگفتانگیز می‌کند؟ هر کس پاسخی برای این پرسش دارد. برای برخی با سفر و ماجراجویی؛ برای برخی دیگر با داشتن چیزهای گروهی با کشف تازه و حتی دستهای نیز لذتبردن و هیجان را شگفتی زندگی می‌داند. همه اینها چیزهایی جالب هستند، اما شگفتی زندگی نیستند؛ شگفتی ای که همه با آن درگیر باشند و همه زندگی را هم دربرگیرد. برای من شگفتگی زندگی در تنافض میان رنج و خوشبختی است. بودن و شدن آدمی از درون تجربه‌های سخت و دردناک بیرون می‌آید. وقتی به زندگی ام نگاه می‌کنم، می‌بینم تقریباً همه بودن‌ها و شدن‌هایم حاصل درگیری‌ها و لحظه‌های دشوار زندگی هستند و لحظه‌های هیجانی و لذت‌بخش، اگرچه لازمه زندگی اند اما لحظه‌های مصرفی آن هستند، چیزی شبیه کالای مصرفی. این لحظه‌های مصرفی، پاسخ به نیازهای زندگی اند اما فقط زیستن و بقا را ممکن می‌سازند جو جو زیمِل، چامعه‌شناسی که بیش از همه کلاسیک‌ها دوستش دارم، در مقاله معروف خود با عنوان «سرشت برین (استعلایی) زندگی»<sup>۱</sup> ("زندگی" و "بیشتر از زندگی"<sup>۲</sup> را از همدیگر جدا می‌کند).<sup>۳</sup> نویسنده، خودن، بهداشت، سکس، تنفس کردن، امنیت و سکونت، همه‌وهمه، زندگی هستند. اما انسان‌ها برای بودن و شدن انسانی‌شان به بیشتر از زندگی نیاز دارند. کیفیت زندگی، تقلا و جستجوی چیزی بیشتر از زندگی است. عشق، صلح، زیباشناختی، دگردوستی، اندیشیدن، خلاقیت، بزرگ‌منشی و خودتحقیق‌بخشی، اینها و بسیاری دیگر از کیفیت‌ها، بیشتر از زندگی هستند این کیفیت‌ها، بودن و شدن ما را می‌سازند. اما قسمت سخت ماجرا در این است که این کیفیت‌ها، خریدنی و جعل کردنی نیستند و در نتیجه رنج کشیدن و ملالتها ساخته و پرداخته می‌شوند. از این‌رو، هر کس به اندازه رنج‌هایش، بیشتر از زندگی را تجربه می‌کند. رنج‌ها و مرارتهای لحظه‌های مولده زندگی‌اند. در این لحظه‌ها، کیفیت‌ها ساخته و پرداخته می‌شوند. در لحظه‌های رنج، ما ناگزیر می‌شویم از اندیشیدن، آفریدن، درک کردن و لمسیدن هستی و زندگی. لحظه‌های رنج، ما را عارف می‌کند و آگاه و هشیار

1. Life.

2. More than life.

3. لوین [۱۹۷۱] ۱۹۹۲ به نقل از زیمِل، ۷:

می‌سازد. لحظه‌های رنج، تنها می‌شویم و لایه‌های پنهان و سطوح ناخودآگاه‌تر خویش را کمی آگاه‌تر لمس می‌کنیم، لحظه‌های رنج ما را از نو می‌آفربینند. ما ساخته دست رنج‌ها هستیم، همان‌طور که رنج‌ها هم ساخته دست ما هستند. خوشبختی را اگر حس پایدار و ماندگار رضایت از زندگی معنا کنیم، و نه هیجان‌ها و لذت‌های گذرا، آن وقت رنج‌ها هستند که ما را خوشبخت می‌کنند.

در این کتاب ما دقیقاً با این وجه شگفتی‌آفرین زندگی انسان سروکار داریم. ۱۰ نفر با تأمل و گفت‌و‌گو درباره رنج‌هایشان و از خلال خردۀ اسطوره‌های آب، آتش، خاک و باد می‌توانند به حس و رضایتی قابل قبول از زندگی برسند. چگونگی رسیدن به این رضایت را باید در کتاب جست‌وجو کنید. در اینجا با هنر شگفت انسان‌شناسی و انسان‌شناس آشنا می‌شویم. بیش از این درباره محتوای این کتاب سخن نمی‌گوییم. برای من سخن گفتن از امید همیشه لذت‌بخش بوده است و گمانم این بوده و هست که ما باید بتوانیم از علم، هم برای نقد جامعه و فرهنگ و هم برای ساختن آن کمک بگیریم. این سخن به معنای نقدناپذیری یا بی‌عیب‌ونقص بودن این کتاب نیست. نقد این کتاب را بر عهده شما می‌گذارم چراکه برای من انتشار این پژوهش و پژوهش‌هایی از این نوع چنان مهیج و لذت‌بخش است که مایلم بیشتر به تشویق و ترغیب نویسنده‌گان و محققانشان بپردازم تا نشان دادن کاستی‌های احتمالی.

## منابع

- ایزدی جیران، اصغر. «اتنوگرافی با حرکت: تجارب حسی در ماشین‌های مناسکی تهران». فرهنگ و ادبیات فرهنگ عامه ۱۹ (فوروزین و اردیبهشت ۱۳۹۷): ۱-۲۷.
- چکسون، مایکل. ۲۰۰۵ و ۲۰۱۷. انسان‌شناسی وجودی: بررسی وضع انسان، نه فرهنگ. ترجمه اصغر ایزدی جیران. تهران: انتشارات تیسا، ۱۳۹۶.
- حیدری، زیلا. من یک معلم‌م: کاویش خودمردم‌گارانه (اتنوگرافیک) در باب چگونگی شکل‌گیری هویت حرفه‌ای. شیراز: ستبلان، ۱۳۹۶.
- زیمل، گورگ. ۱۹۷۱. درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی. مقدمه و گزینش متون توسط مایکل لوین. ترجمه شهرناز مسمی پرست. تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- فاضلی، نعمت‌الله. ۲۰۰۶. ابعاد سیاسی فرهنگ در ایران: انسان‌شناسی، سیاست و جامعه در قرن بیستم، ترجمه وحید شوکت آمقانی. تهران: انتشارات سیزان، ۱۳۹۶.
- قاسمی، بروین. ترس از سخن‌گفتن در جمع به مثابه برساخت / اجتماعی؛ پژوهشی انسان‌شناسخانی. رساله دکتری انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۸.
- میرسیاسی، علی. ۲۰۰۰. روشنگران ایران: روایت‌های یأس و امید. ترجمه عباس مخبر. چاپ چهارم. تهران: توسعه، ۱۳۸۷.